ابریق (مشربه یا تنگ آبخوری)
مزین به نقوش نجومی،٦٢٣
هجری قمری برنج ریخته گری
شده و مرصع کاری شده با نقره
و ماده سیاه معدنی، احمد الزکی
موصلی،خراســـــان،ارتفاع ٤٠
سانتـــــی‌متر،موزه‌متروپولیتین،
شمـــــاره ثبت موزه:(١٥،٤٤)
١٩٤٤

فصلنامه تحلیلی- پژوهشی

بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواکب و آثار فلزی سده های پنجم تا هفتم هجری

مهناز قهاری گیگلو * دکتر مهدی محمدزاده **

تاریخ دریافت مقاله : ۸۹/۵/۲
تاریخ پذیرش مقاله : ۸۹/۸/۲۳

چکیده

رواج گسترده علم نجوم در فاصله میان سده های چهار تا هفت هجری قمری علاوه بر تاثیر گذاری بر فرهنگ و باورهای عامیانه، تاثیر بسیاری نیز بر موضوعات تصویر شده بر روی آثار هنری سده های مذکور به ویژه آثار فلزی داشته است. در واقع می توان گفت در کم تر دوره ای از تاریخ ایران، هنر تا این حد به موضوعات نجومی پرداخته است. تجزیه و تحلیل نقوش نجومی آثار فلزی دوره های پنج تا هفت هجری ایران و تطبیق آن ها با متون علمی نجومی دوره اسلامی هدف این پژوهش است. در این مقاله صور، مفاهیم و باورهای نجومی این دوره از تاریخ ایران اسلامی شناسایی و استخراج و با نقوش مختلف انسانی، گیاهی و جانوری در آثار فلزی که در ارتباط با موضوعات و مفاهیم نجومی هستند، تطبیق داده شده، تا از این طریق تاثیر پیشرفت نجوم بر وجه هنری زندگی مردمان آن عصر آشکار شود.

در این راستا به منظور شناخت نقوش نجومی در آثار هنری دوره مورد اشاره، به بررسی تجسمی نقوش نجومی در آثار فلزی و تطبیق آن ها با تصاویر صورت های فلکی در کتاب صورالکواکب الثابته عبدالرحمان صوفی پرداخته شده است. این رساله نجومی که در حدود سال ۳۵۳ هجری قمری در بغداد نوشته شده صور فلکی را به دقیق ترین شکل خود نشان می دهد. تصاویر ذهنی صورت های فلکی در این کتاب که بر اساس دست نوشته های عبدالرحمان صوفی پدید آمده، طی سده های متمادی توسط نگارگران مصور شده است. این مطالعه تطبیقی نشان می دهد که احتمالا هنرمندان مسلمان این دوره از طریق کتب مصور نجومی، مفاهیم و صورت های نجومی را شناخته و آن را با دقت در هنر خود به کار برده اند. اجرای نقوش نجومی بر روی آثار فلزی کارکرد تزیینی داشته که بی شک بنا به درخواست و ذوق و سلیقه سفارش دهندگان آن ها و شاید بنا بر اعتقاد آنان به نقش تاثیرگذار ستارگان و سیارات در زندگی آن ها بوده است.

واژگان کلیدی

نقوش نجومی، صورالکواکب، صور فلکی، آثار فلزی .

* کارشناس ارشد هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، شهرتبریز، استان آذربایجان غربی
Email: mahnaz_ghahhari@yahoo.com
** استاد یار دانشکده هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز،شهرتبریز، استان آذربایجان غربی
Email: mehdim722@yahoo.com

مقدمه

گرایش انسان به شناخت نجوم و کواکب و صدور احکام در مورد گردش ستارگان و عواقب این چرخش ها تقریبا به ظهور انسان هوشمند برمی گردد. علم نجوم در ایران نیز مانند دیگر نقاط جهان سابقه ای طولانی دارد. در واقع از آن جـــــا که ابزار آن آسمانی پاک و دو چشم سالم خداداد است، جزو اولین علومی است که توسط ایرانیان مورد توجه قرار گرفته است.(بیکرمن و دیگران، ۱۳۸٤، ط(مقدمه)) این دانش در دوره اسلامی به وسیله دانشمندانی چون ابومشعر بلخی و گروه دیگر از منجمان بزرگ تمدن اسلامی در ایران، چون عبد الرحمان صوفی، ابوریحان بیرونی، عمرخیام، خوارزمی و ابوسهل کوهی که در فاصله سده های چهارم تا هفتم هجری می زیستند به جهان عرضه شد.(رفیعی و شیرازی،۱۳۸٦، ۱۱۳) مهم ترین ویژگی این دانش در دوره اسلامی مطالعه انواع صور فلکی است و در این زمینه منابع مکتوب مصور و غیر مصور ارزشمندی باقی مانده است.

با توجه به گسترش نجوم در دوره اسلامی (به ویژه سده های پنج تا هفت هجری قمری) و به کارگیری آن در امور سلطنتی و نیز امور روزمره، این دانش بر سایر جنبه های زندگی و از جمله آثار واشیاء هنری تولید شده در سده های مذکور هم تاثیرگذار بوده است. چرا که همواره در طول تاریخ آثار و اشیاء هنری به واقع روشنگر حقایق و واقعیت های موجود در تمدن و جوامعی هستند که این آثار در آن ها خلق شده است. به همین دلیل بازتاب این تاثیر را می توان به راحتی بر روی نقوش آثار هنری و به ویژه آثار فلزی تولید شده مشاهده کرد.

صورت های فلکی اصلی ترین نقوش تزیینی در هنرهای این دوره را شامل می شوند، «صور فلکی به مجموعه ای از ستارگان اطلاق می گردد که قدما برای شناخت ستارگان ثابت و تعیین محل آن ها به هر یک نامی داده اند که بیش و کم آن مجموعه به آن شبیه باشد و اعراب این مجموعه را صور می نامیدند. قدما هر صورتی را به نام چیزی می خواندند که به آن شباهتی هرچند دور داشت، به همین جهت بعضی از آن ها را به صورت انسان و بعضی را به صورت جانوران و بعضی را به صورت آلات و اشکال گوناگون تصور می کردند و بر آنان اسامی پهلوانان و موجودات اساطیری یا جانوران و اشیاء مستقر در عالم می نهادند.(شین دشتگل، ۱۳۷۹، ۱۰۰)

با آن که بخش عمده ای از تزیینات آثار و اشیاء فلزی سده های یاد شده (به ویژه آثار فلزی دوره سلجوقی) را نقوش نجومی تشکیل می دهد، اما این نقوش و توجه به مفاهیم و حتی شکل ظاهری آن ها کم تر مورد توجه قرار گرفته و پژوهش جامعی در این زمینه انجام نشده است. در این مقاله از آن جا که تصاویر صور فلکی کتاب صورالکواکب عبدالرحمان صوفی با نقوش نجومی آثار فلزی مورد تطبیق قرار گرفته، ابتدا این رساله نجومی و نویسنده آن معرفی می شود تا از این طریق دلیل انتخاب این کتاب به عنوان مرجع تطبیق نیز مشخص گردد.

در بخش بعدی اشاره ای کوتاه به ویژگی های فلزکاری سده های پنج تا هفت هجری شده و سپس طبقه بندی نقوش نجومی، کیفیت و چگونگی قرارگیری آن ها بر روی آثار فلزی مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش پایانی بررسی مفهومی نقوش نجومی و تجزیه و تحلیل تک تک این نقوش و تطبیق آن با صورت های فلکی در کتاب صورالکواکب عبدالرحمان صوفی انجام گرفته است .

صورالکواکب عبدالرحمان صوفی

ابوالحسن عبدالرحمان بن عمر بن محمد بن سهل صوفی رازی (۳۷٦-۲۹۱هجری قمری)در شهر ری دیده به جهان گشود و در سن ۸۳ سالگی در شیراز درگذشت.

وی استاد ریاضی و ستاره شناس برجسته ایرانی سده چهارم بود که در ٤٦ سالگی بنا به دعوت عضدالدوله دیلمی(۳۷۲-۳٦۷هجری قمری) در اصفهان در دربار وی رحل اقامت گزید. کار اصلی وی تشریح یافته‌های پیشین یونانیان در علم نجوم و ترجمه آثار آن ها به زبان عربی بود. امیرعضدالدوله دیلمی صوفی را به سمت استاد ریاضی و ستاره‌شناسی شهر گور فیروز آباد منسوب کرد. صوفی در رصدخانه شهر گور پژوهش‌های ستاره‌شناسی ارزنده‌ای انجام داد تا جایی که به شهرت فراوانی رسید.(ورجاوند، ۱۳۸٤، ۷۳)

وی به ویژه روی کتاب المجسطی بطلمیوس[1] کار کرد و تصحیحات زیادی را بر روی فهرست ستارگان و تخمین‌های مربوط به روشنایی و قدر (اندازه) آن ها انجام داد که اغلب با آنچه بطلمیوس محاسبه کرده بود تفاوت چشمگیری داشت. او ضمن اصلاح نظریه بطلمیوس سحابی[2] و ستارگان مزدوج را بدون داشتن تلسکوپ کشف کرد. صوفی همچنین کاربردهای بسیار زیادی برای اسطرلاب پیدا کرد که یافته‌هایش در آثار به جا مانده از اوبه صورت مکتوب باقی مانده‌است. او در زمینه دانش ریاضیات، هندسه و ستاره شناسی کتاب های زیادی دارد. (همان، ۷۷)

معروف ترین اثر وی صورالکواکب الثابته نام دارد که وی در سال۳۵۳هجری قمری به رشته تحریر در آورد. این کتاب که در مورد ستارگان ثابت[3] است ادامه پژوهش های ستاره شناسی در سده سوم هجری بود و بر پایه آثار کلاسیک و کهن از جمله المجسطی بطلمیوس تدوین شده است. وی در آن بسیاری از رصدها یش را همراه با تصویر تشریح کرده است.

دراین‌کتاب‌اوستارگان‌راباانام‌های‌عربی‌آن‌هامشخص کرده و جدولی از قدرهای دقیق ستارگان هر صورت فلکی و نمای صورت فلکی ارایه کرده‌است.(همان،۷۵) ابوریحان

۱-بطلمیـــــــوس فیلسوف و جغـــرافیدان و ستاره شناس یونانی بوده و احتمالا در سواحل دریای مدیترانه در شمال مصر زندگی می کـــــرد. او در زبان انگلیسی با نام Ptolemy شناخته می شود. وی کتاب المجسطی را در حدود ۱۵۰ سال قبل از میلاد در زمینه علم ستاره‌شناسی و احکام نجومی نوشت. این کتاب توسط ستاره‌شناسان عرب و مسلمان در حدود سال‌های ۸۲۰ میلادی به سفارش خلیفه مامون به عربی برگردانده شد.(موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳، ۲۵۱)

۲- ابر عظیمی از غبار، گاز و پلاسما در فضاهای میان ستاره‌ای، سَحابی یا اَبری گفته می‌شود. سحابی‌ها محل تولد ستاره ها می‌باشند.(قانعی،۱۳۸۲،٤۲۳)

۳-ستارگانی که ثابت و بی حرکت هستند و حرکت انتقالی ندارند و بر خلاف سیارات از خود روشنایی دارند و نور و حرارت از آنان ساطـــع می شود.(عمید،۱۳٤۲، ٦٦۱)

محمد ابن احمد بیرونی(۳٦۲-٤٤۰ هجری قمری) بارها در آثار نجومی خود برای تایید درستی سخنان اش، شواهدی از صورالکواکب صوفی را نقل کرده است. وی صوفی را در امر ثوابت بر بطلمیوس ترجیح می داد و معتقد بود که وی عمرش را در این کار تمام کرده است.(بیرونی، ۱۳٦۳، ۱٦)

رصدهای ثبت شده در صورالکواکب صوفی که به گفته جورج سارتون شاهکاری از نجوم رصدی است، به سرعت نه تنها عنوان معتبرترین منبع در این موضوع را در جهان اسلام پیدا کرد بلکه در سراسر قرون وسطی مرجع اصلی طراحی و ساخت کره‌های آسمانی در اروپا شد. توصیف‌های او از ستارگان در این کتاب تا صدها سال به عنوان یک مرجع مهم علمی در جهان شناخته شد و در قرون وسطی به زبان‌های گوناگون اروپایی ترجمه شد.(ورجاوند، ۱۳۸٤،۷۵)

امروزه نیز اعتبار ارصاد و دستاوردهای وی درزمینه علم ستاره شناسی به حدی است که انجمن بین المللی نجوم به پاس تجلیل از خدمات علمی صوفی، یکی از دهانه‌های ماه را به نام او ثبت نموده است.

از صورالکواکب نسخه‌های متعددی بازمانده است که مهم ترین آن ها ترجمه فارسی آن توسط خواجه نصیر طوسی (موجود در کتابخانه ایاصوفیه) در سال ۶۴۷ هجری قمری است که به خط خود خواجه می‌باشد. چاپ عکسی این کتاب در سال ۱۳۴۸ به کوشش استاد پرویز ناتل خانلری در مجموعه کتاب‌های بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده و چاپ دیگر حروف چینی شده آن نیز به همت بهروز مشیری در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است که در این مقاله تصاویر صورت های فلکی همین کتاب ملاک تطبیق قرار گرفته است. همه نسخه های این رساله که صور فلکی را با تصاویر ذهنی نشان می دهند، طی سده های متمادی(از سده چهارم تا دوره قاجار) عرصه هنرنمایی نگارگران مسلمان شد.

غالبا نگارگران آن را با بهترین تصاویر می آراستند، (همان،۷۳)تصویرسازی صورت های فلکی در کتاب صورالکواکب صوفی درسده چهارم هجری بر تصویرسازی این نقوش در دیگر کتب علمی و نجومی در سده های بعدی تاثیرگذاشت.

قدیمی ترین و زیباترین(از لحاظ صورت هایی که نگارگران به تصویر کشیده اند) نسخه موجود کتاب صورالکواکب اکنون در کتابخانه بودلیان آکسفورد به شماره ۱٤٤ نگه داری می شود. در صفحه آخر آن به مشخصات کتاب که درسال ٤۰۱-٤۰۰ نگاشته گردیده اشاره شده است. کتاب به وسیله پسر مولف، حسین ابن عبدالرحمان محمد صوفی و احتمالادر شیراز نسخه برداری و مصور شده است.(خزائی،۱۳۸٦،۷۵)

نسخه های مصور دیگری نیز از صورالکواکب موجود است که اکنون در موزه ها و کتابخانه های جهان نگه داری می شوند. این کتاب ها مجموعه ای از علم و هنر تمدن اسلامی را در خود جای دارند.

نقوش نجومی بر روی آثار فلزی سده های ۵ تا ۷ هجری

علم نجوم بر موضوعات تصویر شده درسده ۵ تا ۷ هجری به ویژه هنر فلزکاری ایران تاثیر گذار بوده و این امر حکایت از شناخت، آگاهی، توجه، علاقه و نیز شاید اعتقادات اقشار مختلف جامعه آن دوره نسبت به نجوم و تاثیر ستارگان و کواکب بر زندگی آنان دارد. وجود شمار زیادی کتیبه روی اشیاء فلزی می تواند دال بر این آگاهی و استنباط مردمان آن عصر از نجوم و تاثیر آن بر سرنوشت آن ها باشد.

ولی این که در کنار این مساله به اشیاء زیبا نیز توجه زیادی می شده از کتیبه هایی معلوم می شود که در تحسین آن ها نوشته شده و نیز از کثرت رقم هایی که صاحبان حرف روی آثارشان می گذاشتند. برای نمونه می توان به یکی از آثار فلزی این دوران اشاره کرد که شامل کتیبه ای با چهار مصراع، شامل مفاهیم زیر است: نمی توان کوزه ای نظیر این کوزه یافت، چون این کوزه همانندی ندارد ... هفت فلک بر این که از سازنده این نوع کوزه محافظت می کنند، برخود می بالند.(اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۷۸، ۵۱۱)

در دوره سلجوقی برای نخستین بار می توان با مطالعه انبوهی از آثار هنری و از جمله آثار فلزی رو به رو شد، همچنین هنر فلز کاری در سطح بالایی از کیفیت ساخت و تزیینات قرار داشت، این موضوع را می توان به وجود ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در آن عصر نسبت داد. تشویق و حمایت سلاجقه و در نتیجه تشکیل مراکز متعدد و پرشمار تولید آثار فلزی نیز در توسعه و تعالی هنر فلزکاری این دوره تاثیرگذار بوده است. (گدار، ۱۳۷۷، ۲۹)

از طرفی رواج فلزات کم بهاتر چون آلیاژهای مفرغ و برنج در ساخت اشیاء فلزی و اقبال و توجه روز افزون اقشار مختلف و پایین جامعه (در کنار درباریان و امراء) به ظروف و اشیاء فلزی و نیز رواج شیوه مرصع کاری با طلا و نقره که ریزه کاری های بسیار را می طلبید و نیز ساخت نفیس ترین قطعات از فلز در آن زمان به دلیل کیفیت بالای ساخت و تزیین،احتمالا آن را بهترین ماده برای نقوش نجومی که بی شک بنا به در خواست و سلیقه سفارش دهندگان آن ها بود، تبدیل می سازد.

در سده هفتم هجری علی رغم اوج گسترش علم نجوم و علاقه و تمایل هر چه بیش تر اقشار جامعه و از جمله امرا و طبقات درباری مغول به نجوم، پیشگویی و طالع بینی، شاهد تعداد اندکی از ظروف فلزی مزین به نقوش نجومی

هستیم. شاید دلیل آن را باید در تولید شمار کم اشیاء فلزی در آن دوره نسبت به سده گذشته دانست. به دلیل هجوم مغول به ایران در سال٦١٧ هجری قمری و به وجود آمدن بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در پی آن، در سده هفتم هجری، شاهد افول صنعت فلزکاری و کاهش تولید ظروف فلزی و اختصاص هر چه بیش تر فلز، به ساخت ادوات و ابزار آلات جنگی هستیم. (بیانی، ١٣٧٩، ١٦١) اما با این وجود، از این میان اشیاء فلزی که مرتبط با نجوم بودند، می توان به انواع اسطرلاب ها و ابزارآلات نجومی اشاره کرد که در این دوره تولید و عرضه شده است. همچنین شاهد حضور نقوش نجومی بر روی اشیایی چون دوات ها، قلمدان ها و گوی های کروی (شمع سوزها) هستیم که بر اساس کتیبه مندرج بر روی آن ها به طبقات بالای جامعه یعنی دولتمردان و زمامداران و والیان امور کشور تعلق داشته اند.

در روند این تحقیق از میان احجام فلزی به جای مانده از دوران اسلامی (سده های پنج تا هفت هجری)، شامل ابریق ها، پایه شمعدان ها، دوات ها و قلمدان ها و غیره که مزین به نقوش نجومی هستند ده ها نمونه مورد بررسی قرار گرفت که از این میان ٦ نمونه از احجام فلزی شاخص مزین به نقوش نجومی انتخاب شده اند؛ به دنبال این بررسی می توان موارد کلی زیر را در رابطه با صور نجومی این آثار بیان داشت:

١ – غالبا بدنه احجام فلزی را ردیف هایی از نوار و کتیبه های طوماری شکل مزین کرده اند و نقوش اصلی (نقوش نجومی) به صورتی گویاتر درون قاب های مدور، بیضوی و هندسی قرار گرفته اند و نقوش جنبی و ریز نقش ها در حواشی آن ها اجرا گشته اند.

٢ – نقوش اصلی، یعنی نمادهای پیچیده با مضامین فلکی، منطقه البروج و سیارات در بخش میانی و فضای اصلی ظروف قرار گرفته اند.

٣ – نقوش مربوط به صورت های فلکی دیگری مثل ارنب(خرگوش) و کلب (سگ) بر روی آثار فلزی اغلب به صورت نقوش حاشیه ای و گاه به صورت نقوش اصلی دیده می شوند.

٤– برخی از نقوش نجومی در بردارنده مضامین مربوط به کسوف و خسوف هستند مثل صورت فلکی تنین. (اژدها)

٥– اکثر نقوش با مضامین کیهانی به نقوش منطقه البروج (بروج دوازده گانه) و سیارات هفتگانه (خورشید، ماه، عطارد، زهره، مریخ، زحل و مشتری) مربوط هستند که هر کدام با نماد و نشانه های مربوط به خود (به صورت نقوش انسان، حیوان و جماد هستند) بر روی آثار نقش بسته اند.(قهاری، ١٣٨٨، ٦٧)

بررسی مفهومی نقوش نجومی

پیش از آن که به بررسی مفهوم نقوش نجومی(بروج

تصویر١ – ابریق (مشربه یا تنگ آبخوری) مزین به نقوش نجومی،٦٢٣ هجری قمری برنج ریخته گری شده و مرصع کاری شده با نقره و ماده سیاه معدنی، احمد الزکی موصلی، خراسان، ارتفاع ٤٠ سانتی متر، موزه متروپولیتن، شماره ثبت موزه:(١٥،٤٤) ١٩٤٤

دوازده گانه و سیارات هفت گانه) که پیش تر ذکر شد بپردازیم لازم است با برخی از اصطلاحات نجومی که در این بخش و بخش بعدی بسیار با آن سرو کار خواهیم داشت توضیح داده شود :

برج: به معنی قصر و حصار عالی و خانه و جمع آن بروج و ابراج، در اصطلاح نجومی عبارت است از قوسی در منطقه البروج که به سی درجه تقسیم شده که یک دوازدهم ٣٦٠ درجه دور دایره بزرگی در آن منطقه می باشد و هر قسمت به نام یکی از صور فلکی یا ماه های شمسی است، خواجه نصیر الدین طوسی ترتیب برج ها را به شعر چنین آورده است:

تصویر۲-کاسه محدب، برنج قالب گیری و حکاکی شده، مزین به نقوش نجومی، سده ٦ هجری قمری خراسان، ارتفاع۱۲/۷ سانتی متر و قطر دهانه ۲۲/٦ سانتی متر، موزه ایران باستان

تصویر ٦- کاسه محدب مزین به نقوش نجومی، برنج قالب ریزی شده و حکاکی شده، سده ٦ تا ۱۲، خراسان(ایران)، موزه ایرا ن باستان

تصویر۳ - بخشی از کاسه محدب (تصویر ۲)

تصویر۷- ابریق (مشربه یا تنگ آبخوری)به نقوش نجومی، ٦-۷/ ۱۲-۱۳، مفرغ حکاکی شده و مرصع کاری شده با نقره، خراسان، ارتفاع ۲۲ سانتی متر،موزه کاخ گلستان

تصویر٤ و٥ - قلمدان برنجی مزین به نقوش نجومی، برنج مرصع کاری شده با نقره ومس، ٦۸۰ هجری قمری هنرمند: محمد بن سنقر، غرب ایران (احتمالا موصل)، طول ۱۹/۷سانتی متر، موزه بریتانیا (لندن)، شماره ثبت موزه ۲۳/٥ -٦ -۱۸۹۱

تصویر۸- بخشی از ابریق (تصویر۷)

حمل و ثور بعد از آن جوزا
سرطان و اسد دگر عذرا
عقرب و قوس دان پس از میزان
جدی و دلو است و حوت از پس آن
(مصفا، ۱۳۵۷، ۲۵٦)

خانه: در کتاب های نجومی به معنی برج و خانه های سیارات در منطقه البروج نامیده می شد و دوازده برج یا منزل است که بین هفت سیاره تقسیم شده و به ترتیب زیر می باشد:

خانه آفتاب: برج اسد، خانه ماه: برج سرطان، خانه زحل: برج جدی و دلو، خانه مریخ: برج حمل و عقرب، خانه زهره: برج ثور و میزان، خانه عطارد: برج جوزا و سنبله، خانه مشتری: برج قوس و حوت .(همان)

این خانه ها در شناخت و معرفت طوالع و تعیین کمیت عمر مولود در احکام نجومی مورد استفاده بود.

مفاهیم بروج دوازده گانه

برج حمل: حمل به معنی بره و گوسفند اولین علامت منطقه البروج است. منجمان احکامی حمل را برج منقلب، ربیعی، گرم و آتشی، خانه مریخ (بدین جهت حمل را به کنایه آتشکده بهرام «مریخ» گفته اند)، نام داده اند. (همان،۲۱۰)کسی که تحت نفوذ صورت فلکی برج حمل متولد شده است «خندان ، سخن گو ، ملک طبع، بزرگمنش خشم آلود ، مردانه و عاشق سفر است». (بیرونی، ۱۳۱٦، ۳۲۵)) برج حمل شرف[1] مریخ است.

برج ثور: دومین منزل منطقه البروج در نیمکره شمالی آسمان است. بر اساس احکام نجوم، ثور برجی است ثابت، که حالت سنگینی، ثقالت، ضخامت، کندی، استحکام، غلظت و عدم تحرک بر آن غالب است. این علامت منطقه البروج ربیعی، جنوبی، عنصر آن خاک، دارای طبع سرد و خشک و مونث و دارای زنانگی شدید است.(همان، ۳۲۷)خانه سیاره زهره و شرف قمر در شب است.(همان، ۳٤٦)این برج نماینده آن دسته از جانورانی است که با آدمی خو گرفته و اهلی هستند. کسی که طالع وی در برج ثور است معمولا «کاهل، دور اندیش، بردبار، مکار و دارای ابروی خرد، پیشانی بلند، گردن دراز و سیاه چشم و زیرنگر و بینی پهن و سر برآمده است». (همان، ۳۲۷)

برج جوزا: جوزا یا دو پیکر یا توامان، صورتی از نیم کره شمالی در منطقه البروج است. در احکام نجوم جوزا برج معلمان، شمارش گران، صیادان، رقاصان، کیالان(پیمانه کننده)، لهو گران، نقاشان و خیاطان قلمداد شده است. شرف عطارد در این برج است. در احکام نجومی صاحب طالع جوزا، «پاکیزه و کریم و خداوند لهو و دوستدار دانش و علم های آسمانی با حافظه قوی و دارای سیاست و دورویی نیز وصف شده است.(همان)

برج سرطان: سرطان از صورت های بروج شمالی در منطقه البروج است. در احکام نجوم، گنگی و کاهلی و دورویی از صفات منصوب به سرطان است. شاید اشاره به همین نسبت است که سنایی در اشعار خویش سرطان را با تصویر دیگری به کنایه «پنج پای دورو» نامیده است.(مصفی،۱۳۵۷، ۱۲۱) در کتب احکام نجوم سرطان، برج کشتی بانان و جوی کنان و آبیاران است.(بیرونی،۱۳۱٦، ۳۲۸) به طور کلی سرطان یاد آور تمام موجودات بحری است و به صورت آب اولیه نشان داده می شود، خرچنگ یا پنج پا که نشانه برج سرطان می باشد، حیوانی است بحری که زیر غلافی حمایت کننده زندگی می کند. برج سرطان خانه ماه است.

برج اسد: اسد به معنی شیر، صورت شمالی و پنجمین علامت منطقه البروج، در ماه میانی تابستان واقع شده است. از این رو برج اسد خصوصیت شکوفایی طبیعت را همراه با شعاع های گرم خورشید دارد. اسد قلب منطقه البروج است. بیرونی شادی زندگی، جاه طلبی، غرور و ترقی، دلیری و شجاعت، سخت دلی و جفا کاری و فراموشی را به او نسبت داده و اسد را خداوند سواران و ضرابان و صیادان نامیده است.(همان، ۳۸۳و۳۸۷) شرف خورشید در این برج است.

برج سنبله: برج سنبله یا عذرا صورت بزرگی در منطقه البروج و دومین علامت عطارد است. قطب الدین محمود شیرازی صورت یا علامت این برج را «زن جوانی دامن فرو انداخته و دست چپ او آویخته و دست راست برداشته و به آن خوشه ای گرفته» وصف کرده و علت آن این است که عذرا را سنبله و به فارسی خوشه گفته اند. (مصفی،۱۳۵۷، ٤۰۹)

سخاوت ، نیک طبعی ، نیکو گویی ، بسیار دانی توام با حکمت، سبکی ، بازی ، پای کوبی و موسیقی دانی منسوب به سنبله است. از طبقات مردم، وزیران ، مهتران ، صاحب منصبان، صاحبان حشمت ، نویسندگان و رقاصان منسوب به این برج هستند. (همان، ۳۳۷ و۳۳۸)

برج میزان: میزان برج هفتم از بروج شمس و برابر با ماه مهر و دومین خانه سیاره زهره است. بیرونی در التفهیم صورت میزان را هم چون ترازو توصیف کرده است.(بیرونی،۱۳۱٦،۹۰) منجمین، صاحب طالع میزان را با خصوصیاتی چون با اندیشه و ادب، جوانمرد، و بخشنده و در عین حال کامل و عادل، مردم دوست، شاعر و با اندام معتدل و خوش صورت و سپید مایل به گندم گونه و سرمه چشم وصف کرده اند. میزان، برج وزیران و امینان ، دبیران ، مهتران ، رقاصان ، سرودگویان و نیز طبقه متوسط مردم است.(مصفی، ۱۳۵۷، ۷۷٤)

برج عقرب: هشتمین برج از منطقه البروج و از صورت های جنوبی و برابر با ماه آبان و دومین خانه مریخ است. بیرونی در التفهیم عقرب را علامت برخوردهای ناهنجار، ترشرویی و بی شرمی، کاهلی و تکبر، نادانی می داند و

۱_ شـــــــرف در مقابل هبوت است. در جایی از برج ها یا همه برج را برای سیاره، شرف آن سیاره گویند. چنان که شرف آفتاب در ۱۹ درجه حمل و برج حمل را شرف یا بیت الشرف لقب داده اند. (مصفی،۱۳۵۷، ۲۵۳)

تصویر ۹ و۱۰- ساغر یا جام شراب (واسو و سکوالی) مزین به نقوش نجومی اواخر سده ششم هجری برنز با درصد بالای قلع و مرصع کاری با نقره، هنرمند نامعلوم، خراسان (یا احتمالا افغانستان)، ارتفاع ۲۱/۵ سانتی متر، موزه بریتانیا (لندن)، شماره ثبت موزه: ۳۵/۱-۷-۱۹۵۰

در عین حال سخاوت و شجاعت را به عقرب نسبت داده است.(بیرونی، ۱۳۱٦، ۳۲۷ و ۲۳۸) برج عقرب شرف مریخ است.

برج قوس: صورت قوس یا رامی صورت بزرگی در نیمکره جنوبی در منطقه البروج است. بیرونی قوس را «هم چون اسبی تا بگرد نگاه، از آن جا نیمه زیرینش بر شبه آدمی شود و گیسو فرو هشته از پس، و تیر در کمان نهاده و سیر کشیده » وصف می کند. (همان، ۹۱)صاحب طالع قوس را ملک طبع، راز دار، بخشنده، مکار، متعصب، پاکیزه خورش و معجب وصف کرده اند. و نیز او را مهندس و جهان گرد ، فراموش کار و بسیار اندیشه به کار جهان و بسیار خطا قلمداد می کنند.(مصفی،۱۳۵۷، ٦۰٦) شرف مشتری بر برج قوس است.

برج جَدْی[۱]: برج جدی دهمین صورت فلکی منطقه البروج است که انقلاب شوتی[۲] (زمستانی) را شـــروع می کند. در احکام نجوم جدی خداوند صیادان، بندگان، چاکران و غلامان است و خصوصیاتی چون فراموش کاری و سخت گیر ی در رای و دوست دارنده حکمت وخشم آلود و بد اندیش به صاحب طالع این برج نسبت داده شده است. جـــــدی خداوند صیادان، بندگان، چاکران و غلامان است. (بیرونی،۱۳۱٦، ۳۳۲ و ۳۳۳)

برج دلو: دلو یازدهمین علامت منطقه البروج و در وسط سرمای زمستان قرار دارد. دلو را ساکب الماء، آبریز و ریزنده آب هم گفته اند. حلول خورشید در برج دلو علامت نزول باران بوده است. در برخی کتب نجومی نام دیگر صورت دلو یا قسمتی از آن را «ساقی» نقل کرده اند. در احکام نجوم این برج دلالت بر اخلاق نیک، تجمل، حرص و پاکیزگی دارد. صاحب طالع دلو بسیار اندیشه و گرد کننده طعام، بخیل، پر خواسته، بد دل توصیف شده و در خلقت، میانه اندام به درازی نزدیک تر، خرد پیشانی، سرمه چشم با سیاهی بیش از سپیدی، سبز لب و زیرنگر وصف شده. طبقه بندگان (بردگان) نر و ماده و می فروشان و آبگینه گران به دلو نسبت دارند.(همان، ۳۲۵ و ۳۲۸ و ۳۳۰ و ۳۳٤) این برج دومین خانه زحل است.

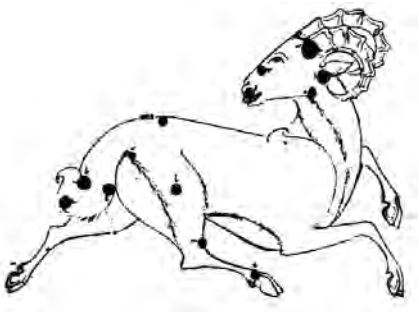

تصویر۱۱- برج حمل در صورالکواکب

تصویر۱۲- بخشی از تصویر۳

تصویر۱۳- بخشی از تصویر٤

۱_ برج جَدْی با جُدَی متفاوت است. جُدَی نام ستـــاره ای در طرف قطب شمال است.(عمید، ۱۳٤۲، ٦۸۲)

٦_انقلاب تغییر فصل است، از تابستان به زمستان، و از بهار به تابستان. نخستین را انقلاب شوتی، و دوم را انقلاب صیفی گویند. انقلاب صیفی، تحویل آفتاب است از آخرین درجه برج جوزا به درجه نخستین برج سرطان که بلندترین روز و کوتاه ترین شب را در تمام نقاط زمین همراه دارد. و انقلاب شوتی تحویل خورشید است از آخرین درجه قوس به اولین درجه جدی که کوتاه ترین و بلندترین شب ها پیدا می شود.(مصفی، ۱۳۵۷، ٤۵۳)

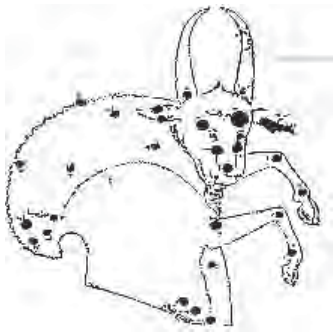

تصویر ١٤: برج ثور صورالکواکب

تصویر١٥- بخشی از تصویر٣

تصویر١٦- بخشی از تصویر٩

برج حوت: صورت حوت یا حوتین و سمکتین برج دوازدهم و آخرین علامت منطقه البروج نیز به شمار می رود و به شکل دو ماهی است که از دم به یکدیگر مربوطند و درست قبل از اعتدال ربیعی قرار دارد. این برج دومین خانه مشتری است. حوت با نام فارسی خود، ماهی و ماهی چرخ آسمان و ماهی فلکی همراه با دیگر ستارگان و برج و نیز به تنهایی و بیش تر به منظور مدح و بیان تحول سال و تغییر فصل یا اظهار اطلاع در مسائل نجومی و نیز به قصد تصنع و اعنات و تناسب در شعر فارسی فراوان آمده است. (مصفی، ١٣٥٧، ٢١٤)

مفاهیم سیارات هفت گانه

سیاره مریخ: این سیاره از نخستین سیارگانی است که بشر نخستین آن را کشف کرده، چون رنگ سرخ ویژه آن و درخشش فصولی آن، مریخ یا بهرام را ستاره ای متمایز و مشخص ساخته است. بهرام، وهران و ورهران، اصل «ورثرغن» به معنی فاتح، شکننده و جنگجوست. در اشعار فارسی نیز از خشم و سلحشوری مریخ سخن ها گفته شده و عناوین فراوانی چون حیدر رزم فلک، مریخ خون آلود و مریخ سلحشور به وی داده اند.(همان، ٧٣٠) این ستاره در تصورات ایرانی، یونان و روم ایزد خدای جنگ بوده، به همین علت منجمان احکامی مریخ را کوکب لشکریان و امراء ظالم، دزدان و مفسدان شمرده اند.(همان، ٧٢٩) همان طور که پیش تر اشاره شد خانه مریخ دو برج حمل و عقرب است.

سیاره زهره: از این اختر در زبان فارسی با نام های ناهید و بیدخت یاد شده است. آناهیتا، شکل دیگر ناهید و اناهید فارسی و پهلوی به معنی پاک و بی عیب از فرشتگان نگهبان آب بوده است.در احکام نجوم این ستاره را «کوکب زنان، اهل زینت و تجمل، لهو و شادی، عشق و ظرافت، سخریه و سوگند دروغ نام داده اند». شاعران فارسی زهره را زن بربط زن و زهره خنیاگر و زن مطربه لقب داده تقریبا هرجا در شعر نام زهره می آید، به سرود و نوازندگی و حالت نمادین او در زیبایی نیز حتی در نثر فارسی اشاره می رود.(همان،٣٤٥ و٣٤٧) منزل زهره در منطقه البروج، یعنی جایی که به طور خاص تاثیر گذار است، دو برج ثور و میزان هستند.

سیاره عطارد: نام یونانی عطارد، هرمس و رومی آن «مرکور» و فارسی آن «تیر» است. در احکام نجوم کوکب حکماء و طبیبان، شعرا و اذکیا (هوشمندان و زیرکان) و دیوانیان و کاتبان، نقاشان، تجار، اهل بازار، دین، نطق و

تصویر ١٧- برج جوزا در صور الکواکب

تصویر١٨- بخشی از تصویر٣

تصویر١٩- بخشی از تصویر٤

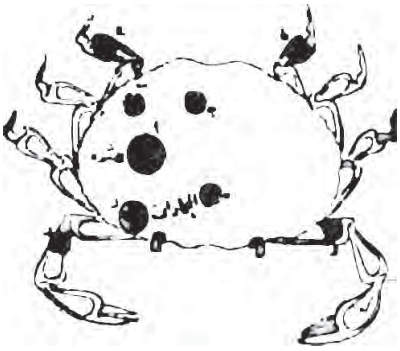

تصویر ۲۰- برج سرطان در صورالکواکب

تصویر ۲۱- بخشی از تصویر ۳

تصویر ۲۲- بخشی از تصویر ٤

پاکی و ادب است به همین علت از عطارد در شعر فارسی با القابی چون اختردانش، کاتب گردون، مستوفی گردون، دبیر انجم و کاتب علوی نام برده شده است. (همان، ٤١٢)

سیاره ماه: ماه نزدیک ترین و مانوس ترین سیاره به زمین و ساکنان آن است و بعد از آفتاب بیش از همه اجرام سماوی در تفکر و زندگی انسان تاثیر گذاشته به ویژه در رسیدن میوه ها و رشد و نمو نباتاتی که میوه دارد و به وجود آمدن قارچ و تولید بعضی از مواد معدنی مانند سنگ نمک و تکوین و رشد و نمو بعضی حیوانات مانند طیور. ماه نیز مانند خورشید، نزد اقوام کهن مورد پرستش واقع شده است. «در باب قمر و خورشید و تاثیر آن کاملا در فصول رسائل اخوان الصفا بحث شده است. اخوان همچنین معتقداند که عمر حیوانات در این عالم به منازل قمر بستگی دارد».(نصر، ۱۳۷۷، ۱۳۵) شرف ماه در برج سرطان است.

خورشید: در بین سیارات، نفوذ شمس یا خورشید حائز اهمیت خاصی است. خورشید مانند قلب عالم و سایر سیارات مانند بقیه اعضای پیکر جهان اند. خورشید نخستین کره آسمانی است که در ابتدای طلوع تمدن توجه ساکنان زمین را به خود جلب کرده است. این توجه به طور روز افزون، منجر به پرستش خورشید شده و مذاهب مهر پرستی در ایران، هند، مصر و دیگر نقاط جهان یکی از جلوه های این توجه بوده است. بر اساس احکام نجوم، صفت هایی چون خرد، معرفت، بزرگواری، غرور، پاکیزگی، طمع برای شهرت، جست وجوی نام نیک، آمیختن با مردم، زود خشمی، زود پشیمانی خشم، آرامیدن و بردباری به خورشید نسبت داده شده است.(مصفی، ۱۳۵۷، ۲٤۸)

سیاره مشتری: زاوش، هرمزد، اور مزد و رامش نام های فارسی مشتری و نام دیگر آن برجیس است. ایرانیان مشتری را به عنوان رب النوع درخشان آسمان (به نام هورمزد) می پرستیدند و این پرستش احتمالا قبل از مذهب میترایی و در امتداد آن وجود داشته است. خدایی «اهورا مزدا» در آیین زردشتی که هورمزد، یا اورمزد یعنی ستاره مشتری دنباله همان اعتقاد است. (همان، ۷۳٦) در احکام نجوم، مشتری کوکب قضات، علماء، اشراف، اصحاب و ارباب نوامیس و ترسایان است. به علت سعد بودن مشتری، آن را سعد اکبر[۱] و سعد فلک می نامند.

سیاره زحل: این سیاره بلندترین و یا دورترین سیاره بوده و کلمه زحل خود به معنی بسیار دور گریخته است. منجمان احکامی زحل را کوکب پیران و دهقانان، ارباب قلاع، خاندان های قدیم، غلامان سیاه، صحرا نشینان، مردم سفله، خسیس، زاهدان بی علم و موصوف به صفات مکر،

تصویر۲۳: برج اسد در صورالکواکب

تصویر ٢٤: بخشی از تصویر ۷

تصویر ۲۵: بخشی از تصویر ٤

۱_ مشتری و زهره هر دو سعد هستند و این دو سیاره، مقتضی حرارت و رطوبت و قوام حیات با این دو کیفیت است و نیز چون خاصیت ایشان اعتدال هوا و هبوب ریاح فاضله است لاجرم به سعادت ایشان حکم کرده اند و چون مشتری در حرارت قوی تر بود و زهره در رطوبت بیش تر و حرارت کیفیت فاعله است و رطوبت کیفیت منفعله. لاجرم مشتری را سعد اکبر و زهره راسعد اصغر نامیده اند. (همان،۳٥٦)

تصویر ۲۶-بخشی از تصویر ۱

کینه، حمق ، جهل، بخل، ستیزه و کاهلی می شمرند.(همان، ۲۳۷و ۳۳۸)

تجزیه و تحلیل نقوش نجومی بر روی آثار فلزی

در این بخش نخست به بررسی تطبیقی نقوش نجومی بروج دوازده گانه در آثار فلزی (سده پنج تا هفت هجری قمری) با صورت های نجومی در کتاب صورالکواکب عبدالرحمان صوفی پرداخته می شود و سپس نقوش مربوط به سیارات هفتگانه در آثار فلزی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد. لازم به ذکر است همان طور که در بخش معرفی کتاب صورالکواکب اشاره شد این اثر صورت های فلکی ثوابت که بروج دوازده گانه را نیز شامل می شود به تصویر کشیده و از سیارات[1] در آن تصویری وجودندارد. البته در کتاب های مصوری چون البلهان(بغداد، ۸۰۱ هجری قمری)و الموالید ابو مشعر(بغداد، اواخر سده هشتم هجری قمری) تصاویر سیارات آمده است اما از آن جا که ملاک تطبیق در این مقاله تصاویر کتاب صورالکواکب است لذا در بخش مربوط به نقوش سیارات تنها نمونه تصاویر آن ها در اشیاء فلزی آورده شده است. در انتها ی این بخش به صورت های فلکی دیگری که با سایر مفاهیم نجومی همچون کسوف و خسوف در ارتباط هستند اشاره خواهیم کرد. جهت تبیین موارد فوق، هم چنان که پیش تر نیز اشاره شده بود ششش نمونه شاخص این احجام فلزی،در این بخش معرفی می شود.(تصاویر ۱ تا ۱۰) و در ادامه در راستای استخراج صورت های نجومی، جزییات نقوش برخی از آن ها مورد استناد واقع می شوند.

نقوش بروج دوازده گانه بر روی آثار فلزی

برج حمل: صورت برج حمل در کتاب صورالکواکب صوفی به صورت گوسفند نر (قوچ)شبیه است که سر خود را به عقب برگردانده و به پشت می نگرد. (تصویر۱۱) نقش برج حمل بر روی آثار فلزی به دو صورت ظاهر شده که در هر دو حالت ویژگی ستیزه جویی و مبارزه طلبی به طرز مشهودی قابل رویت است. در برخی موارد برج حمل در هیات یک بره یا گوسفند نر (قوچ) تکی ظاهر شده است که آماده مبارزه و حمله است.(تصویر۱۲) در آثار دیگر، برج حمل به صورت فردی مبارزی ظاهر شده است که بر قوچی سوار شده و در یک دست شمشیر و در دست دیگرش سر بریده ای را نگه داشته و دعوی ظفرمندی می کند.(تصویر۱۳) هم چنان که مشاهده می شود گوسفند نر عنصر تصویری ثابت نقوش برج حمل و ویژگی ستیزه جویی و مبارزه طلبی مفهوم همیشگی بازنمایی های تصویری برج حمل می باشند.

برج ثور: نقش برج ثور در آثار فلزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته به دو صورت، گاو نر تنها (تصویر ۱۵) و یا به شکل گاو نری است که زنی در حال نواختن عود یا بربط، بر آن سوار است. (تصویر ۱۶) لازم به توضیح است که در بخشی از تصویر ۱۸، هلال ماه در سمت راست فوقانی نقش برج ثور احتمالا تجسم ماه است. همان طور که در بحث مفهومی برج ثور اشاره شد، برج ثور شرف ماه در شب است. (به طور کلی در علم نجوم و باورهای کهن به قرینگی ماه و گاو اشاره شده است).

برج جوزا: نقش برج جوزا بر روی آثار فلزی به دو صورت نشان داده شده، یکی به صورت پیکره ای چهار

تصویر ۲۷: برج سنبله در صورالکواکب

تصویر ۲۸: بخشی از تصویر ۳

تصویر ۲۹: بخشی از تصویر ٤

۱_در اصطلاح علم نجوم سیارات ستارگانی هستند که فاصله آن ها نسبت به یکدیگر ثابت نیست و و مکان خود را در آسمان تغییر میدهند و دو حرکت دارند حرکت انتقالی به دور خورشید و حرکت وضعی به دور خود، سیاراتی که به دور خورشید می گردند به ترتیب فاصله از خورشید عبارتند از عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل اورانوس، نپتونو پلتون. سیارات نزد خود نور ندارند و از خورشید کسب نور می کنند. (عمید، ۱۳٤۲، ۱۲٥٦)

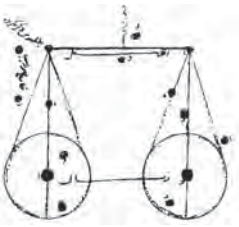

تصویر ۳۰: برج میزان در صورالکواکب

تصویر ۳۱: بخشی از تصویر ۷

زانو نشسته با دو سر یا دو تندیس (تصویر ۱۸) و یا به صورت دو پیکره ایستاده در حالی که هر کدام از آن ها با یک دست چماق یا عصا را که دارای دو سر یا دو تندیس است گرفته اند و پارچه یا طوماری را بین خود می کشند . (تصویر ۱۹)

برج سرطان: نقش برج سرطان بر روی آثار فلزی مورد بررسی قرار گرفته به صورت نقش خرچنگی حک شده ای است که درون قاب هندسی(مدور) قرار گرفته(تصویر ۲٤) و یا به صورت خرچنگی که هلال ماه یعنی نماد سیاره ماه (سیاره حاکم بر برج سرطان) را بر بالای سر خود نگه داشته است.(تصویر ۲۲) همان طور که پیش تر ذکر شد برج سرطان خانه ماه است.

برج اسد: نقش شیر به مفهوم منطقه البروجی و تجسم مجمع الکواکب برج اسد بر روی آثار فلزی به صورت شیری که خورشیدی در بالای سر آن حک شده نشان داده شده است.(تصویر ۲٤) در بخشی از تصویر ۲٤ در قسمت چپ نقش برج اسد تصویر اژدهایی را می بینیم که دهان خود را به طرف خورشید باز کرده است، این اژدها به تعبیری تجسمی از صورت فلکی تنین یا اژدها در آسمان است که طبق باورهای عامیانه با بلعیدن خورشید توسط اژدهای فلکی پدیده کسوف رخ می دهد. در بخشی از تصویر۲۵ نقش خورشید در برج اسد در حال طلوع کردن از پشت شیر است. (این نقش در سده سیزدهم هجری، نشان سلسله قاجاریه در ایران شد و بی تردید مفاهیم نجومی آن یعنی خرد، معرفت، بزرگواری، غرور و پاکیزگی وغیره در گزینش آن بی تاثیر نبوده است).

اما نقش شیر همراه با مفهوم نجومی آن که در آثار فلزی مورد بررسی قرار گرفت نمود دیگری نیز داشته است. بر روی تمامی ابریق های فلزی ساخته شده(در سده های پنج تا هفت هجری) نقش شیر به صورت برجسته بر گردن تنگ ها و ابریق ها و نقش خورشید با شعاع هایی که رو به خارج گسترده، در صفحه فوقانی این آثار دیده می شود که مفهوم منطقه البروجی دارد. همان طور که پیش تر اشاره شد، برج اسد خانه خورشید است، از نظر منجمین هرگاه کوکب خورشید در برج اسد (شیر) قرار گیرد، زمان آسایش و امن و فراوانی غله و وفور نعمت است. به همین دلیل همواره نقش شیر و خورشید به عنوان نمادی خوش یمن مورد توجه منجمین و هنرمندان بوده است. (ذبیح الله زاده سماکوش و خزائی، ۱۳۸۵، ۹۸) (تصویر۱ و ۲٦)

برج سنبله: نقش برج سنبله بر روی آثار فلزی سده مذکور به صورت پیکره ای با حالت چهار زانو نشسته در حالی که دو بازوی خود را به طرف بالا خم کرده و با آن ها دو خوشه گندم را نگه داشته نشان داده شده است. (تصویر ۲۸) و یا به صورت تجسم دو پیکره انسانی در حالی که این پیکره ها دست چپ خود را آویخته و در دست راست که به طرف بالا خم کرده اند خوشه یا نهالی را نگه داشته اند. (تصویر ۲۹)

برج میزان: نقش برج میزان در آثار مورد بررسی قرار گرفته به صورت پیکره ای نشان داده شده که زیر ترازو، علامت برج میزان به صورت چهار زانو نشسته و دو دست خود را به سوی کفه های ترازو خم کرده است.(تصویر ۳۱)

برج عقرب: بررسی نقش برج عقرب بر روی آثار فلزی دوره اسلامی بیننده را به اصول و ویژگی هایی راهنمایی می کند که در تمام آثار فلزی مورد بررسی ، به کار رفته است، نقش این برج به صورت عقرب تکی و یا دو عقرب درون قاب مدور یا هندسی که خلاف جهت هم به صورت دورانی حرکت می کنند، نشان داده شده است . (تصویر۳۳)

تصویر۳۲: برج عقرب در صورالکواکب صوفی

تصویر ۳۳: بخشی از تصویر ۷

تصویر ۳٤- برج رامی در صورالکواکب

تصویر ۳۵- بخشی از تصویر ۳

تصویر ۳٦- بخشی از تصویر ٤

برج قوس: برج رامی بر روی آثار فلزی اغلب به صورت نیم اسب (تا به گردن) و نیمه انسان، در حالی که بر چهار پا ایستاده و با کمانی در دست، تیر خود را به عقب، به طرف سر اژدها پرتاب می کند نشان داده شده است.(تصویر۳۵) و یا به صورت نیمه شیر (حیوان گربه سان) و نیمه انسان در حالی که تیری از عقب به سر اژدها نشانه رفته تصویر شده است.(تصویر ۳٦) اژدها در نقش صورت فلکی قوس در آثار فلزی احتمالا اشاره به صورت فلکی تنین (اژدها) دارد. از طرفی این که هنرمند صورت قوس را بدین صورت تصویر کرده شاید مفاهیم خاصی را هم در نظر داشته که ریشه در تاریخ اساطیری قبل از اسلام دارد؛ موجوداتی همانند اژدها، در اساطیر اقوام و ملل گذشته وجود داشته اند، به ویژه در آثار ادبی و نگاره های ایرانی به کرات به چشم می خورد، جانوری اساطیری به شکل سوسماری عظیم و دهانی آکنده از آتش که به عنوان مظهر شر حضور یافته و در اغلب موارد، قهرمان داستان بر او پیروز شده است. اگر آن را با صورت فلکی تنین مقایسه کنیم شباهت های بسیار میان آن ها و تاثیری که از این صور پذیرفته می توان دریافت کرد.

برج جَدْی: برج جَدْی بر روی اشیاء فلزی مورد بررسی قرار گرفته به دو صورت نشان داده شده است: بز نری که بر روی چهار پا ایستاده (تصویر ۳۸) و یا به شکل بز نر شاخداری که مرد مسن ریش دار بر آن سوار است و ظرف آب یا مشک همراه با چوب دستی در دست چپ به عقب می نگرد.(تصویر ۳۹).

برج دلو: نقش این برج بر روی آثار فلزی مورد بررسی قرار گرفته به صورت یک شخص ریش دار تجسم یافته است که در حال کشیدن آب با استفاده از لوله آب یا ریسمان از چاه است، در حالی که ظرف آبی در پشت سر یا کنار او قرار دارد، نقش پرنده ای بر روی چاه مشاهده می شود که حالت نمادین دارد . شاید به نقش آب رسانی و ساقی بودن برج دلو اشاره دارد. (تصویر ٤١)

برج حوت: نقش برج حوت در اشیاء فلزی سده های یاد شده به صورت دو ماهی درون قاب مدور یا هندسی که خلاف جهت هم به صورت دورانی در حال شنا هستند(تصویر٤۳) و یا به صورت پیکره ای نشسته در حالی که ماهی، علامت برج حوت در دو طرف و یا جلوی آن قرار دارد، نشان داده شده است. (تصویر ٤٤)

نقوش سیارات بر روی آثار فلزی

پیش از آن که به بررسی نقوش سیارات بر روی اشیاء

تصویر۳۷- برج جدی در صورالکواکب

تصویر ۳۸- بخشی از تصویر ۳

تصویر ۳۹- بخشی از تصویر ٤

تصویر ٤٠- برج دلو در صورالکواکب صوفی

تصویر ٤١- بخشی از تصویر ٨

فلزی بپردازیم ذکر این نکته لازم است که ثوابت با سیارات گوناگونی مرتبط هستند بنابراین نمایش یک سیاره در ارتباط با چند برج صورت می گیرد. زیرا یک برج نسبت به سیارات خانه شرف و یا وبال[1] یک سیاره است. به همین دلیل است که نمایش سیاره به طور مثال مریخ به صورت های گوناگون و در ارتباط با صور فلکی برج ها ی مختلف به نمایش در می آید که در این بخش به بررسی تک تک آن ها می پردازیم.

سیاره مریخ: در تصویر ٥٠، همان طور که مشاهده می شود سیاره مریخ به صورت جنگجویی چهار زانو نشسته و شمشیری بر یک دست و سر بریده ای بر دست دیگرش، تصویر شده است. همان طور که پیش تر در بخش مفهوم نقوش نجومی اشاره شد در احکام نجوم مریخ سیاره جنگجویان و لشکریان است. در تصویر ٤٦، سیاره مریخ در هیات جنگجویی است که دو عقرب را از دم به دست گرفته است. همان طور که پیش تر گفته شد خانه مریخ دو برج حمل و عقرب است. و هنرمند فلزکار با آگاهی از این موضوع مریخ را به این شکل به تصویر کشیده است.

سیاره زهره: در تصویر ٤٦، سیاره زهره به صورت پیکره ای چهار زانو نشسته در حالت نوازندگی نشان داده شده است. (در بخش مفهوم نقوش نجومی زهره کوکب زنان، اهل زینت، تجمل، شادی، طرب و نوازندگی خوانده شد) در تصویر ٤٧، سیاره زهره در برج میزان نشان داده شده و به صورت زنی چهار زانو نشسته در حال نواختن چنگ نشان داده شده که در بالای سرش علامت برج میزان یعنی ترازو قرار گرفته است. پیش تر اشاره شد که خانه زهره دو برج ثور و میزان است.

سیاره عطارد: بر مبنای مفاهیم سیاره عطارد که در بخش قبل آمد، نقش سیاره عطارد بر روی آثار فلزی به صورت شخص (کاتبی) چهار زانو نشسته به تصویر در آمده است که قلمی در دست راست و طوماری در دست چپ دارد.(تصویر ٤٨) در تصویر ٤٩، سیاره عطارد به صورت پیکره ای با داسی در دست، در حال درو کردن گندم نقش شده است.(همان طور که پیش تر ذکر شد خانه عطارد دو برج سنبله و جوزا است)

سیاره ماه: سیاره ماه در آثار فلزی به صورت پیکره زنی چهار زانو نشسته نقش بسته که هلال ماه را برگرد صورت خود گرفته است. (تصویر ٥٠)

خورشید: چهره خورشید بر روی آثار فلزی معمولا با شعاع های بلندی نشان داده می شود(تصویر ٥١)، نقش سیاره خورشید در آثار فلزی مورد بررسی قرار گرفته حالت مرکزیت دارد و دیگر نقوش سیارات در اطراف و یا گرداگرد آن قرار گرفته اند.(تصویر٥)

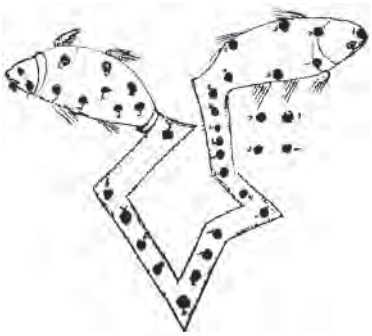

تصویر٤٢-برج حوت در صورالکواکب(صوفی، ١٣٨١،٢٠٦).

تصویر ٤٣- بخشی از تصویر ٦

تصویر ٤٤- بخشی از تصویر ٤

١_وبال را «پتیاره» و «پتیارک» هم گفته اند. وبال موقع سیاره است در برخی که مقابل خانه اوست.خوارزمی در تعریف وبال گوید: وبال برجی است که مقابل بیت است و آن را بطیارج معرب پتیاره فارسی و برج هفتم از هر بیت است که آن را نظیر و مقابل می نامند و این هنگامی است که نیمی از فلک در میان آن دو واقع شده و مقدارش شش برج است. چون افتاب و ماه هر کدام یک خانه دارند و دیگر سیارات هر یک دو خانه و خانه وبال هفتمین خانه بعد از خانه هر سیاره است. (مصفی،١٣٥٧،٤٥٢)

تصویر ٤٥- بخشی از تصویر

تصویر ٤٦- بخشی از تصویر ٤

تصویر ٤٧- بخشی از تصویر ٥

تصویر ٤٨- بخشی از تصویر ٤

تصویر ٤٩- بخشی از تصویر ٥

تصویر ٥٠- بخشی از تصویر٧

تصویر ٥١- بخشی از تصویر ٥

تصویر٥٢- بخشی از تصویر ٥

تصویر ٥٣- بخشی از تصویر٥

سیاره مشتری: نقش نماد سیاره مشتری در آثار فلزی به صورت مردی ریش دار حک شده است که چهار زانو نشسته ویک بطری در دست دارد. (همان طور که در صفحات پیشین اشاره شد مشتری سیاره حاکم بر قضات و علما و اشراف و بزرگان است)(تصویر٥٢)

سیاره زحل: نقش نماد سیاره زحل بر روی آثار فلزی به صورت مردی ریش دار به تصویر در آمده که به صورت چهار زانو نشسته و داسی در دست راست و شی ای گرد بر دست دیگرش نگه داشته است. به توجه به این که پیش تربه این نکته اشاره شد که زحل را خدای دهقانان و بذر افشانی و خرمن نیز می نامند، این سئوال پیش می آید که آیا آن شیء گرد به همراه داس در دستان این پیر فلک، می تواند نمادی از نان باشد؟ (تصویر ٥٣)

سایر نقوش نجومی بر روی آثار فلزی

صورت فلکی تنین(اژدها): همان طور که پیش تر اشاره شد، علاوه بر نقوش مربوط به منطقه البروج و سیارات هفتگانه بر روی آثار فلزی شاهد نقوش دیگری با مفاهیم نجومی مربوط به کسوف و خسوف هستیم که مربوط به صورت فلکی تنین است. تنین به معنی اژدها، صورت فلکی در نیمکره شمالی و از ثوابت است. (همان، ١٤) نام فارسی دیگر اژدها، یعنی صورت تنین، هستبهر یا هشتبر است و همان اژدهایی است که در باورهای عامیانه هند و ایران، ماه و خورشید به هنگام کسوف و خسوف به کام او می رود، به این علت در هنگام گرفتن ماه بر بام خانه ها طشت می زده اند تا سبب رهایی آن ها شود.

تصویر ٥٤- بخشی از تصویر ٥

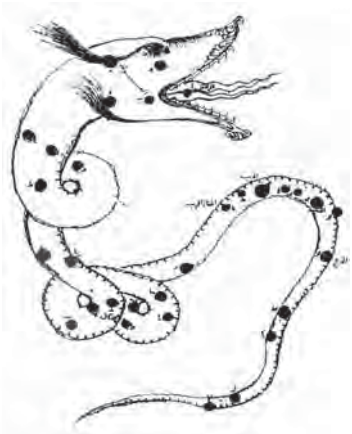

تصویر ٥٥ - صـــــورت تنین در صورالکواکب صوفی،

با تطبیق صورت فلکی تنین و نیز مفهوم و باورعامیانه در مورد پدیده کسوف و خسوف، نمود آن بر روی آثار فلزی به صورت شخصی با حالت چهار زانو نشسته بر تخت نشان داده شده است، در حالی که دو اژدها (صورت فلکی تنین) با دهانی باز در دو طرف آن قرار دارند و او دو بازوی خود را به طرف آن ها دراز کرده و هر دو اژدها را نگه داشته است. (تصویر ٥٥)

صورت فلکی کلب (سگ) و ارنب (خرگوش): نقش دیگری که با توجه به تطبیق مفاهیم و نیز صورت های فلکی موجود در کتب نجومی دوره اسلامی به تصویر درآمده است و بسیار در ظروف فلزی سده های مذکور به صورت حاشیه ای تزیینی در اطراف نقوش اصلی نجومی(نقوش مربوط به منطقه البروج) و گاه به صورت مستقل در ظروفی چون صندوقچه های فلزی آمده، ارنب و نقش کلب است.

ارنب به معنی خرگوش، صورت فلکی کوچکی است در نیمکره جنوبی آسمان. صورت ارنب به رصد قدیم دوازده ستاره است «خرگوشی را ماند دوان به سوی مغرب» موقع صورت ارنب در جنوب صورت جبار و شرق صورت کلب اصغر و نزدیک صورت نهر است. (همان، ١٨) فخر الدین اسعد گرگانی در ویس و رامین ضمن توصیف ستارگان در شب به موقع ارنب همراه با جوی (نهر) و دو سگ نظر داشته و عنوان می کند که در کنار جوی دو سگ

تصویر ٥٦- دلو بوبرینکسی مفرغ ریختگی نقره کوبی و مس کوبی شده، محرم ٥٥٩ هجری قمری عبدالوحید و حاجب مسعود بن احمد، خراسان(هرات)، موزه ارمیتاژ، لنینگراد، شماره ثبت موزه:١٤٢٣٨/ CA

تصویر ٥٧- بخشی از تصویر ٥٦

تصویر ٥٨- صورت فلکی ارنب در صورالکواکب

تصویر ٥٩- صورت فلکی کلب در صورالکواکب

تصویر٦٠ - نقش کلب و ارنب بر روی اثر فلزی، بخشی از تصویره

نتیجه

تطبیق نقوش نجومی بر روی بدنه آثار فلزی با صورت های فلکی در کتب مصور علمی و غیر علمی دوره اسلامی نشان گر این موضوع است که هنرمندان مسلمان آن دوره از طریق این کتب مصور، صورت ها و نقوش نجومی را شناخته و آن را با دقت در هنر خود به کار می بردند. البته با بررسی این نقوش می توان دریافت که هنرمند آزادانه برداشت و ذوق هنری خود را نیز در به تصویر کشیدن صورت های نجومی به کار می برده و گاه باورهای شخصی و یا عامیانه رایج در عصر خویش را نیز دخیل می کرده است. با توجه به بررسی و تحلیل نقوش نجومی بر روی آثار فلزی سده های پنج تا هفت هجری قمری می توان گفت این نقوش از نظر شکل و ترکیب دارای تفاوت های اندکی هستند و در هر دوره ای هنرمند فلز کار با توجه به آگاهی و شناختی که نسبت به این نقش ها داشته آن را بر روی بدنه ظروف فلزی تصویر کرده است. اجرای نقوش نجومی بر روی اشیاء فلزی چون ابریق ، کاسه و قلمدان که بی شک همه کاربرد روزانه تزیینی داشته اند و بنا به درخواست سفارش دهندگان وباورشان به تاثیر ستارگان و سیارات در زندگی و نیز شناخت و آگاهی هنرمندان خالق این آثار از این نقوش و ویژگی های ایشان بوده که آن را با دقت در هنر خود به کار می بردند.

منابع و مآخذ

اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابار، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، سمت، تهران، ۱۳۷۸.
احسانی، محمد تقی، هفت هزار سال فلز کاری در ایران، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳٦۸.
بیانی، سوسن، تبلور عهد مغول در آیینه فلز، هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن (مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی)، شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۹.
بیرونی، محمد ابن ابوریحان، التفهیم لاوائل صناعت التنجیم، با تجدید نظر و تعلیقات و مقدمه جلال الدین همایی، تهران، انجمن ملی، ۱۳۱٦.
بیکرمن، ئی و دیگران، علم در ایران و شرق باستان (مجموعه مقالات)، ترجمه و تحشیه همایون صنعتی زاده، تهران، قطره، ۱۳۸٤.
خزائی، محمد، صورت های فلکی رساله صور الکواکب (٤۰۰ هجری)، کتاب ماه هنر، شماره ۱۰۹، مهر و آبان ۱۳۸٦.
ذبیح الله زاده سماکوش، محمد رضا و محمد خزائی، احجام فلزی دوره اولیه اسلامی تا اواخر دوره سلجوقی، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
رفیعی، احمد رضا و علی اصغر شیرازی، هنر دوره سلجوقی ، پیوند هنر و علوم، نگره، سال سوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸٦.
شین دشتگل، هلنا، بازتاب صورت های فلکی بر اساطیر، کتاب ماه هنر، شماره ۲۷ و ۲۸، آذر و دی۱۳۷۹.
عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ابن سینا، تهران،۱۳٤۲.
قانعی، سعید (به اهتمام)، اطلاعات عمومی دهخدا، میلاد، تهران،۱۳۸۱.
قهاری، مهناز، بررسی تطبیقی صور نجومی با نقوش آثار هنری(سفال، فلز، معماری و نگارگری) ایران از قرن پنجم تا هفتم هجری، پایاننامه چاپ نشده، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده هنرهای اسلامی، ۱۳۸۸.
گدار، آندره، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷.
مصفی، ابوالفضل، فرهنگ اصطلاحات نجومی، همراه با واژه های کیهانی در شعر فارسی، موسسه تاریخ و فرهنگ، تبریز، ایران، ۱۳۵۷.
موسوی بجنوردی، کاظم(زیر نظر)،دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایره المعارف بزرگ

اسلامی،تهران، ۱۳۸۳، جلد دوازدهم.
نصر، سید حسین، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۷.

منابع تصویر

بزرگی، علی، بررسی آثار فلزی دوره سلجوقی، پایان نامه چاپ نشده، دانشگاه غیر انتفاعی سوره، ۱۳۸۱.
صوفی، عبد الرحمان عمر، صورالکواکب الثابته، ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی، به کوشش بهروز مشیری، ققنوس ،تهران،۱۳۸۱.
فریه، دبیلو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، فروزان، تهران، ۱۳۷٤.
گری، بازل، نقاشی ایرانی، ترجمه عربعلی شروه، دنیای نو، تهران ، ۱۳۸۵.
Canby, Sheila, The British museum, Islamic Art in detail, London, The Trustees of the British museum, 2005.
Pope, Arthur Upham, Asurrery Of Persian art , Volume Xll Asistant Phylips Akerman, London & Tehran, Manaf Zadeh, group & Oxford University Press ,1933.
www . metmuseum . org

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی